

شهید غلامحسین کریمی زاده



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

محمدباقر	نام پدر
۱۳۴۴/۱۱/۰۹	تاریخ تولد
بوشهر - تنگستان	محل تولد
۱۳۶۵/۱۰/۰۴	تاریخ شهادت
اروندروود	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
بسیج	نوع عضویت
دانش آموز	شغل
دیپلم	تحصیلات
بنه گز	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید کریمی زاده در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای متدین و معتقد به دین حیات بخش اسلام در روستای بنه گز دیده به جهان گشود و بخاطر ارادت خاص خانواده به سالار شهیدان نام او را غلام حسین گذاشتند تا غلام و پیرو رهبر آزادگان جهان امام حسین (ع) باشد. او در سن ۷ سالگی وارد مدرسه ابتدائی شد و سپس دوره ۳ ساله راهنمائی را در مدرسه خاقانی (شهید جلالی) به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به شهر بوشهر رفت. در دبیرستان شریعتی در رشته فرهنگ و ادب تا سال سوم ادامه تحصیل داد. سال چهارم متوسطه را بصورت متفرقه امتحان داد و موفق به اخذ دیپلم گردید.

دوران تحصیل او در شهر بوشهر و همزمانی با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ تحول بزرگی را در او ایجاد کرد. در حالیکه درس می خواند عشق به امام و پیامهای الهی او و حمایت مردمی از جنگ جرقه ای در وجود او پدید آورد و در خیل جوانان این مرز و بوم رهسپار جبهه های حق علیه باطل شد.

برای اولین بار در تاریخ ۶/۶/۶۲ به جبهه های جنگ اعزام گردید. ورود او به جبهه های حق علیه باطل از او انسانی شجاع و خستگی ناپذیر ساخت. او نسبت به دوستانش مهربان و در مقابل دشمنان خشمگین و استوار بود.

به خاطر حالت معنوی و خضوع و خشوع او در نمازهایش و علاقه به ورزش فوتبال و شرکت در دسته های ورزشی استقلال بنه گز و کارگر بنه گز هرگز از ذهن دوستانش فراموش نخواهد شد.

زیرا نه تنها ورزشکاری موفق بود بلکه نقش اخلاقی او در میدان ورزش نیز برای تمامی دوستان ورزشکارش مشهود و ملموس بود.

بطور متوالی در ۷ مرحله به جبهه های جنگ اعزام گردید در این مراحل هرگز خستگی و ملال ناشی از جنگ در او احساس نگردید و در هر بار اعزام به جبهه شادانتر بنظر می رسید و به اهداف خود معتقد تر می شد. او در بخشی از بیانش در وصیت نامه خود رمز این خستگی ناپذیری را چنین بیان می کند: هرگز نخواهیم گذاشت اسلحه گرم شهدایی مانند سهراب یگانه، علی احمدی، غلامحسین حیدری که بخون خفته اند سرد شود و بر زمین بماند باید من و شماها بیا خیزیم و راه آنان را ادامه دهیم و انتقام خون همه شهدا را از دشمنان اسلام بگیریم.

شهید غلامحسین کریمی زاده در بیشتر جبهه های جنوب کشور حضور داشت. و در حالیکه در هفتمین مرحله ورودش به جبهه در عملیات کربلای ۴ در اروندکنار در مرز بین ایران و عراق، سکان قایق رزمندگان اسلام را بعنوان فرمانده دسته برای از بین بردن خصم متجاوز هدایت می کرد در حرکت تک توسط نیروهای عراق در جزیره ام الرصاص در کنار اروند پرخروش هدف قرار گرفت و متأسفانه بعلت موقعیت منطقه عملیاتی در آن هنگام در تاریخ ۳/۱۰/۶۵ پیکر پاکش در عملیات کربلای ۴ در کنار اروند [۱] مانند سایر عرشیان قدسی مفقودالاثرا گردید تا اینکه پس از ۱۰ سال جاویداثرا بودن در تاریخ ۱۶/۱۱/۷۵ جسم پاکش در حالیکه پیچیده در پرچم سه رنگ ایران بود به سرزمین اسلامی خود بازگشت تا در کنار سایر رزمندگان شهید، آنانی که در وصیت نامه اش، نامی از آنان ذکر کرده آرام گیرد. خداوند روح بلند او را همراه با خیل کاروانیان کربلای ایران محشور بگرداند.

سجایای اخلاقی شهید غلامحسین کریمی زاده

- ۱- فرمانده مقتدر و با نفوذ بود
 - ۲- از آنچه خداوند بر انسانها حرام فرموده چشم می پوشید
 - ۳- پیروی از رهبریت امام خمینی (ره)
 - ۴- کمک به فقرا و محرومین
 - ۵- عظمت آفریدگار در جانش تجلی پیدا کرده و هر چه غیر خدا بود در چشمش حقیر می آمد
 - ۶- در دام دنیا اسیر نشد و خویشتن را از آن رها نید
 - ۷- در مورد به خدمت به خدا و خلق نگران بود زیرا احساس می کرد خدمت او کم است
 - ۸- خویشتن را برای آخرت در رنج و تعب می انداخت و مردم را از خود آسوده خاطر می کرد
 - ۹- اهتمام فراوان به نماز اول وقت در میدان های جنگ و مساجد
 - ۱۰- زیاد دل به دنیا بسته بود تا اینکه آرزوهایش دور و دراز باشد
 - ۱۱- شجاعت وصف ناپذیر در میدانهای نبرد داشت
 - ۱۲- با کسی که از او بریده بود پیوند برقرار می کرد
 - ۱۳- طبع شاعرانه داشت
 - ۱۴- ورزش را نه به عنوان هدف بلکه بعنوان وسیله تندرستی دوست می داشت
 - ۱۵- بجای آوردن صله رحم بصورت گسترده
 - ۱۶- نیکی به والدین
 - ۱۷- در عبادات خود خاشع و فروتن بود
- ۱- رودخانه اروندرکنار از تلاقی رودهای شط العرب (دجله و فرات) با کارون ایران بوجود می آید. حرکت این رود از شمال به جنوب است و ارتفاع آب در عمیق ترین قسمت رودخانه به ۲۵ متر می رسد. اختلاف ارتفاع آب پایین ترین و بالاترین حد در حالت جزر و مد ۵/۳ متر است و عرض آن بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر متغیر می باشد. (نقل از کتاب از خرمشهر تا فاو. انتشارات معاونت سیاسی ستاد کل. شهریور ۱۳۶۷. ص ۱۶۳).

خانواده شهید غلامحسین کریمی زاده

محمدباقر کریمی زاده متولد ۱۳۰۱ و بانو سکینه کریمی متولد ۱۳۰۷ پدر و مادر شهید بسیجی غلامحسین کریمی زاده می باشند. محمدباقر کریمی زاده سالیان سال در کسب روزی حلال و امرار معاش فرزندانش زحمات زیادی را در سالهای حیاتش تحمل نموده است تا بتواند فرزندانی در خور اسلام و کشور تربیت نماید. فرزندانی که همچون غلامحسین فرمانده دلیر میدانهای نبرد حق علیه باطل گردد و بعد از ده سال پیکر متلاشی شده این شهید به وطن اسلامی باز گردد تا در کنار سایر مردان رشید و دلاور میهن به خاک سپرده شود. پدر شهید از جمله پدرانی می باشد که از همان اوایل جوانی تن به کار در مزرعه داد و کار کشاورزی را پیشه خود ساخت و با کار طاقت فرسای کشاورزی ساخت تانای حلال که از رنج دستان خود بدست می آورد به فرزندانش اهدا نماید ولی پس از مدتی طولانی کار زراعت و مزرعه داری را رها نمود و به محل کار خانجات در شهر بوشهر رفت و از آنجا به بخش خدماتی نیروی هوایی ارتش در بوشهر منتقل گردید و تا پایان دوران بازنشستگی در آنجا باقی مانده تا اینکه پس از زمان بازنشستگی یعنی در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ ندای پروردگار لیک گفت و به دار باقی شتافت.

مادر شهید نیز از خاندان بزرگ منطقه تنگستان بوشهر و همچنین اسوه تمام نمایی از مادران که سالیان طولانی انتظار فرزند را کشیده است ولی چه در مدت انتظار و پس از آن شاکر و سپاسگزار خدایش بود و خمی به ابرو نیاورده است و هرگز از هدیه بزرگ خود به درگاه اهدیت شکوه ای نگشوده و ایشان در حال حاضر در قید حیات می باشند.

وصیت نامه

لا حول ولا قوة الا بالله العظیم

با درود و سلام به پیشگاه مقدس حضرت مهدی موعود و نائب برحقش امام امت ، بت شکن زمان این خورشید محرومان و مستضعفان و امت حزب الله ایران ، سلام و درود بر خط شکنان جبهه های حق علیه باطل ، دلیر مردان قلعه های فتح ، با درود و سلام بر تمامی خانواده های شهدا ، عرض ادب به تمامی شهدای عزیز و فداکار ، از صدر تا عملیات کربلای ۲ و ۳ ، که امت ما را مفتخر به پیروزیهای چشمگیری نمودند اینک که امام حسین سلام الله علیه درس فداکاری و شهادت را به ما آموخته است امت حزب الله باید همگی برخیزند و با همت خود پایان جنگ را سرنوشت قیام همه جانبه خود نمایند . چرا که امام حسین ندای یاری سر می دهد و درس عبرت را به آنانکه به این جنگ و دفاع از اسلام معتقد نیستند بیاموزید . فرصت را غنیمت شمرده و اعلام کنید به تمامی منافقین و خودی های وابسته به شرق و غرب که هرگز از جنگ خسته نخواهید شد به امت حزب الله بنه گز این نوید پیروزی خواهیم داد که ان شاءالله پیروزی در جنگ کفر و اسلام از آن ماست ما رزم آوران همواره می تازیم بر دشمنان زبون تا تاریخ پر از حماسه های طنین افکن نموده می رویم تا راه کربلا را باز نمائیم و اولین زیارت قبر حسین خانواده شهدا علی الخصوص خانواده شهید سهراب یگانه و علی احمدی و غلامحسین حیدری ما هرگز نخواهیم گذاشت اسلحه گرم این شهدای بخون خفته سرد شده بر زمین بماند باید من و شماها بپا خیزیم و ادامه راه آنان داده و انتقام خون همه شهدا را از دشمنان اسلام گرفته و به منافقین داخلی بگوئیم که امید همه شما به ناامیدی تبدیل خواهد شد . آنچه که شما از امت حزب الله امیدوار بودید ، برعکس آن از آب در آمد ملت ما به ادامه جنگ هیچگاه خسته نشده و نخواهد شد . پیروزی نزدیک است در همین جاست که ضد انقلاب در کنار و گوشه ها به تضعیف روحیه مبارز شما امت حزب الله می پردازد اما با حضور خود در جبهه های حق مشت محکمی بر دهان یاوه گویان بزنید همچون قبل به پشتیبانی خود ادامه دهید ملت ما در همه ابعاد انقلابی موفق بوده علی الخصوص دولت جمهوری اسلامی و ریاست مجلس شورای اسلامی و همه وزرای دیگر و ان شاءالله این جنگ با فرماندهی کل قوا خمینی بت شکن بنفع اسلام پایان خواهد پذیرفت ، از خداوند توفیق پیروزی همگی شما را از خداوند خواستاریم .

والسلام

به امید پیروزی رزمندگان اسلام و فتح کربلا و آزادسازی اسرا

بسیجی غلامحسین کریمی زاده

مصاحبه

مصاحبه با خانواده شهید غلامحسین کریمی زاده

مادر شهید به همراه خواهر او از شهید آبهای خروشان اروند صحبت می کنند. شهیدی که آبهای اروند برای او صحنه نبرد با دشمن غدار بود. غلامحسین از دوره نوجوانی و آشنایی با مفاهیم اولیه دین مبین اسلام علاقه زیادی به یادگیری قرآن و برپایی نماز نشان می داد. این امر سبب یادگیری قرآن با تلاوت خوش او در زمان کوتاهی شد به قرائت قرآن و برگزاری نماز اول وقت اهمیت خاصی می داد و در تمامی زمان نماز در او خضوع و خشوع همراه با خداترسی وجود داشت. در شبهای جمعه با صدای رسای خود دعای پرفیض کمیل را می خواند و در مراسمهای مذهبی و نوحه خوانی فعالانه شرکت می کرد.

خواهرش می افزاید هنگامی که غلامحسین از جبهه برمی گشت حتی یک روز یا یک شب در خانه استراحت کامل نمی کرد و در گروه مقاومت روستا به نگهبانی و حفاظت از دستاوردهای انقلاب می پرداخت. به ظواهر دنیوی علاقه ای نشان نمی داد و از پوشیدن لباسهای نو و یا بستن ساعت مچی امتناع می کرد. او می گفت: شاید یکی از دوستانم بعزت کم بضاعتی مالی قدرت پوشیدن لباس نو را نداشته باشد و با چنین کاری در روح او ایجاد حقارت شود. مادرش از صفات انسانی و ایثار او نسبت به همنوع خودش بیان می کند که در سال ۱۳۶۵ باران شدیدی ایجاد سیل کرده بود و باعث خرابی بسیاری از خانه ها در روستا و خرابی قسمتی از خانه مان شده بود، شاهد بودم خانه خودمان را رها کرد و بسوی خانه هایی که با مشکلات بیشتری روبرو بودند می رفت بخصوص به سوی خانه هایی که افراد خانواده آنان از نظر مالی وضعیت مناسبی نداشتند، می شتافت. در آن شب سیلی ساعت ۳ نیمه شب به خانه برگشت در حالیکه از من طلب کمی غذا کرد. علت نخوردن غذا را از او در خانه هایی که به آنان کمک کرده بود پرسیدم، جواب داد: مادرم یک لحظه احساس کردم شاید در خانه آنان غذا به اندازه کافی نباشد و در این زمینه در تنگنا قرار بگیرند و احساس خجالت و شرمندگی به آنان دست بدهد.

خاطرات

خاطره از شهید غلامحسین کریمی زاده

در حین عملیات کربلای ۴ بودیم شهید غلامحسین کریمی زاده فرماندهی دسته خود را بعهدہ داشت گردان ما (ذوالفقار) هنگام شب بود که وارد منطقه عملیاتی در جزیره ام الرصاص شد. هدف ما از ورود به این منطقه و مستقر شدن نیروها در آن پیشروی و احتمالاً تهدید شهر بصره عراق بود. این کار تا صبح روز بعد بخوبی انجام گرفت ولی ساعت ۹ صبح بود که جزیره یکباره به جهنمی از گلوله های آتشین بعثیان عراقی تبدیل شد. از زمین و آسمان گلوله روانه ما می شد، در حالیکه تمامی نیروهای عمل کننده به جان پناهی رفته بودند، به چشم خود دیدم که شهید کریمی زاده همچون غزالی تیزپا از این سو به آن سو در حال حرکت است و فقط یک لباس خاکی بسیجی به همراه یک کفش کتانی به پا دارد و از ادوات معمول نظامی در مقابل گلوله های دشمن خبری نبود و اگر چیزی از دست رزمندگان در موقعیت رها شده بود به آنان می سپرد این وضعیت چنان روحیه ای در نیروهای عمل کننده بوجود آورده بود که بتدریج دیده می شد رزمندگان جان پناهی را که به درون آن رفته بودند به تدریج ترک می کردند و حالت جنگی بخود می گرفتند.

«کاظم خواستار هم‌رزم شهید»



سامانہ جامع سرداران و دوہزار ششمیہ استان بوٹھر